

شبه اول دسامبر ۱۹۹۰
شماره ۴۸
۱۹۸۸-۱۹۹۱
۹۷

خانم زاله غریز

باسلام و درود فراوان امیدوارم بهمنان سگد خوشحال و
پرکار باشید. نامه شماره بابت خواندم. برای ابرار دستور
تسا مجموعه اشعار را برای اولین بار گزیدم. بعضی از اشعار
گفته "کار کنار گذاشتم که برایشان بفرستم. ولی بعد تصحیح دارم
که با سلیقه و ترکیب خودشان این انتخاب صورت بگیرد. از اینرو
مجموعه را بهمنان که بدر "میسارم به او از دست خود چینی"
ابتدا در باره وسیله کار عرض کنم که بر اساس آخرین
خبر بوسیله مسافر فرستاده شده و گویا قرار است از آلمان
بیت بیورد. روی من سیاه که این چنین لبیب ناخفته
و ناخشنودی شما شده ام. باور بفرمایید دست و دلم را
از کار بریده. فضای بیشتری هم ندادم که از وسیله

۲
تاقص قدیم استفاده کنم و بعضی از نوشته که را سر و سامان بدیم
"چه توان کرد که سخن و دل باطل بود". هنوز امید دارم

که گوشتی که چندین ماه بزرگتر میسر بود
بخیر هم نامه شامل مطلبی است که پاسخ به آنها
شاید از صلاحیت من خارج باشد. معذرا، مثل همیشه،

از بیان نظریه ام ابا ندارم.
شکل نگارش شعر آثای خوبی است. خط آن زیبا
و خوانا است. اگر حرف بزرگتر انتخاب شود، برابر چاپ شعر
بتر خواهد شد. این اندازه حرف برابر چاپ مطالب، غیر شعر،
خوب است. بطوریکه ملاحظه می کنند اندازه حرف عنوان با
مطلب برابر است. اگر تمام کتاب با حرف یک شکل و یک اندازه
چاپ شود باعث خستگی چشم خواهد شد. امید است که امید دارم
بزرگی آماده شود، امکان میدهد حرف به اندازه هر مختلف
انتخاب شود و زیبایی و تنوع صفحه بندی هم تأمین گردد
"شعر نو" یا "شعری وزن" یا "شعر کونیه" یا "شعر مقطع"

۳
یا هر رسم دیگری روی آن بگذارید، باید حامل پیامی باشد،
که اگر نه مستقیم، لافل به کنایه قابل فهم مطلبی را برساند
وزن و قافیه هم در خدمت همین پیام است. کوتاه و بلند
مصرع که، گریه نباید بنا بر هوک و فانتزی باشد، هم همین
وظیفه را بعهده دارند. این که ابزارهای انتقال پیام و خبر
میهند. اگر نه آهنگ آشنا باشد و نه کلمات و
واژه که بهم مربوط باشند و پیام و خبری هم نرساند، مضمون
همان " المعنی فی لحن شاعر " است. " ذلویان "، گریه
یا سخن مستقیم به این نیاز نمی دهند، این نظریه را نمی پسندند
و به آن بر حسب " گفته پرستی یا گفته اندازی " می زنند.
این درست است که اشارات و استعارات باید مناسب زمان
باشد و مثلا " ای کاروان آهسته ران، کاروانم جانم
میرود " با همه زیبایی و شوایی با نیازهای امروز ما
همانند منبت و بی ضروری است که شاعر از خلبان

تجدید آهسته براند، ولی مسئله یافتن زبان مشترک برای
درک اشارت و استعارات امروز نماند کلیدی "تولوئی"
است. در این رابطه به عنوان "قطار مسافر" بیان کنید
که "پوشگران" به آن عنوان شعر عطا کرده است. واقعا
شمار می کنم که پیام، خبری و یا حتی مطلبی از آن بفهمم. می گویند

"قطار بی غایت
در شبانه بی انتظار
به ایستگاه نخستین

برمی گردد.

مسافر بی
- با چمدانی به رنگ سرب سحر -
به خانه کی مسکن
می آید

قطار خسته
- در کین صبح و سپیده -
به کوی است
می اندازد.

در کفش
مثل دو ریل
نهاده بیرون محفظه خواب.

اگر مسافر کلمه از سفر خود می‌گفت و معمار عدنان «هدیه سرب»
 را می‌گشود گفت که «در بیرون محفظه خواب» سرگردان نمی‌ماندند
 و شاید کلمات «سفر» بهم می‌چسبید.

جان بنگلی، یک شاعر انگلیسی، می‌نویسد:

«گاهی سفر خالی از ابتکار است،

دبیرتربینه باستان‌شناسی می‌گردد

که حفاری می‌کنند و قطعاتی را بهم می‌چسبانند

گاهی قطعه نامجو در دست می‌آید

زیرا بخشی از آن مفقود مانده

و گاهی چیزی جز یک تکه آشفال نیست!

درست است که «گاهی سفر خالی از ابتکار است». اما اگر شاعر امروز

بسیار باستانی را بازسازی کند حاصل کارش یقیناً چیزی جز

«یک قطعه آشفال» نخواهد بود. مسئله‌ای که در اینجا از

۹
یادرفته نیاز بازگویی پدید می آید، اندیشه‌ها در حاکم می
امروز در بافت می قابل فهم امروز است. "شعر نو"
یا "شعری وزن"، یا هر یک روی آن بگذارید، علاوه بر اینکه
باید حامل ابتکار تازه باشد باید شامل و بیان کننده
چون و حیران جهان بیرون و نشانگر غوغای درون با
تشبیهات و شعر امروز باشد. بقول احمد شاملو:

"از دور زندگی است که شاعر

با آب و رنگ شعر

نفسی بر در نقشه دیگر

تصویر می کند."

این در بیان درازند. اگر در شعر از جوامع گوناگون که
تا کم دانیم را کمتر بر ملا سازم. هنوز آهنگ "شعر نو" را
نیافته‌ام و نمی‌توانم آنرا به درسی بخوانم و بخوبی بفهمم. هنوز

۹۷ ۴۸ ۵۶

از حفظ لذت می برم که می گوید: ^۷

« بیان شوق چه حاجت که سوز آتش در دل

توان شناخت ز سوز که در سخن باشد »

امید دارم "سوز که در این سخن است" بیان کنند "سوز آتش

دل" باشد.

برگرفته تفسیر که در تنظیم "مجموعه اشعار" لازم می آید

انجام دهید و فهرست آنرا تنظیم کنید. بلافاصله پس از

دریافت رسیده تازه و بکار انداختن آن، اطلاع خواهیم داد

که مجموعه را بفرستید تا اولین محصول آن آماده گردان

"مجموعه اشعار" بر چاپ باشد.

در باره چاپ "مجموعه اشعار" پیشنهاد می کنم یک نسخه

برای ناشری به ایران بفرستید. هر مقدار آن انتشار یابد

بسیار خواهد بود. در همین حال مجموعه کامل را در اروپا

چاپ و نشر کنند. برای ارسال یک نسخه به ایران تنها
کافی است که یک کویچه را توسط مسافر بفرستیم و در شان
چاپ خواهند کرد.

شاد و پیروز و سرباز کار باشند
ارادتمند اسیر شما

سر آقای خوشی هم همین است
اگر لطفاً وصول مجموع را
تلفنی اطلاع دهید
خواهیم شد.